یکشنبه 15/5/1403-29محرم 1446 – 4اگوست 2024-درس 177 فقه توانمندسازی – اوصاف توانمندساز-

مساله : توانمندساز باید مطابق ظرفیت و استعداد توان پذیران توان بخشی نماید ،امتحان بگیرد ،رموز کار را بداند، تفوق علمی داشته باشد،ماهر در تعلیم باشد ،بی دریغ تعلیم دهد ، بعضی توان پذیران را استاد یار کند و.....

شرح مساله : معلوم شد که اوصاف و ویژگیهای توانمندسازان همان ویژیگهای یک معلم است که در سه حوزه مهارت تعلیم ،اخلاق تعلیم و دانش تعلیم جلوه میکنند.این جا هم میتوان اوصاف توانمندساز را در سه حوزه مذکور شمارش کرد و استنباط نمود از ادله شرعیه مربوطه .

مهارت ها : یعنی ملکاتی که انتقال توان را به توان پذیر میسر و میسور می سازد که غلبه فنی دارد مثل قدرت بیان و زبان بدن ،مدیریت زمان و مکان ،استفاده از تکنولوژی و فناوری لازم و کمک آموزشی ، حافظه خوب ،قدرت همراهی با توان پذیر از لحاظ جسمی و روحی ، مثل این که با او بدود و در اردو های سخت قرار گیرد ،با او سینه خیز برود ، قدرت انتقال مفاهیم را داشته باشد ،استعداد شناس باشد ، مخاطب شناس باشد ، بلیغ وفصیح باشد ،زبان بدن داشته باشد ،با مطالعه باشد،بروز باشد

اخلاقیات : اخلاق حرفه ای داشته باشد ،صبور و حلیم باشد ،عادل باشد در نگاه و محبت ،مهربان باشد و معنوی باشد ،خود کنترل باشد ، منظم باشد ، با تقوی باشد ، متعهد باشد

دانش: تخصص داشته باشد، توانمند باشد ،قدرت پاسخ گویی به سوالات داشته باشد ،قدرت اقناع علمی داشته باشد ،با اصطلاحات علمی آشنا باشد ، با آخرین نظریات آشنا باشد ،قدرت تطبیق نظریات را داشته باشد ، دائم المطالعه باشد، توان دیده باشد به همان توانی که میخواهد منتقل نماید .

در این جا اوصاف خدای تبارک و تعالی نسبت به ربیب خود که همان اوصاف ربوبی است باید لحاظ شود عینا در خلیفه او در توان بخشی منتقل شود و متصف به آنها شود . مثلا اگر خداوند علیم است روف ورحیم است لطیف است ،خلاق است دارای اسماء حسنی است . مصور است یعنی باید از هنر های تجسمی در توان بخشی و کارگاهی مهارت افزایی استفاده کند یا قدرت تصویر گری در بیان داشته باشد . این صفات را باید در حد توان متصف شد و تزین به آنها پیدا نمود زیرا خداوند در نخستین آیات خود را معلم معرفی میکند که به متعلم خود انسان آنچه را نمی داند یاد میدهد یعنی آنچه را که در تخصص خود باید بداند و نمیداند به او یاد میدهد .

فقه القرآن

**در این جا به مناسبت یک دسته آیات پیاپی که حاوی اوصاف تعلیمی و تربیتی و توان بخشی خداوند است را مورد تفقه قرار میدهیم :**

**البقرة : 30 وَ إِذْ قالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَليفَةً قالُوا أَ تَجْعَلُ فيها مَنْ يُفْسِدُ فيها وَ يَسْفِكُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قالَ إِنِّي أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ**

**البقرة : 31 وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ كُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلائِكَةِ فَقالَ أَنْبِئُوني‏ بِأَسْماءِ هؤُلاءِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ**

**البقرة : 32 قالُوا سُبْحانَكَ لا عِلْمَ لَنا إِلاَّ ما عَلَّمْتَنا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَليمُ الْحَكيمُ**

**البقرة : 33 قالَ يا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمائِهِمْ قالَ أَ لَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ**

**از آیات فوق اوصاف زیر برای توانمندساز استفاده و استنباط میشود با تکیه بر قاعده فقهیه " تخلقوا باخلاق الله":**

1. تفوق علمی(اعلم ما لا تعلمون)
2. تعلیم بی دریغ (علم آدم الاسماء کلها)[[1]](#footnote-1)
3. دانای به رموز و اسرار کار است (اعلم غیب ....)
4. مخاطب شناس (اعلم ماتبدون و ما تکتمون)
5. هم دانا و هم ماهر در تعلیم به شکل محکم و متقن و موثر و کار بردی (علیم و حکیم) [[2]](#footnote-2)
6. تعلیم و عرضه(تفاوت ارائه محتوی با تفاوت مخاطب "آدم یا فرشته")
7. قدرت تقریر (لا علم لنا الا ما علمتنا)
8. لحاظ ظرفیت ها کند (انبئونی .انبئهم)[[3]](#footnote-3)
9. آزمون و امتحان هدفمند بگیرد (انبئونی )
10. علم رانشانه شایستگی بداند نه عبادت صرف (علم آدم...... نحن نسبح و نقدس)
11. بعضی را استاد یار کند اجازه تدریس و تعلیم دهد (انبئهم)

***نکته*** : هر یک از این اوصاف به منزله شرط لیاقت برای تصدی منصب توانمندسازی است استنباط شرط استنباط حکم وضعی شرعی است . که موضوع برای حکم تکلیفی است مثل وجوب اتصاف توان بخشان به این صفات و لزوم انتصاب چنین موصوفانی در منصب توانمندسازی توسط رهبران سازمان و.....(والله العالم)

1. در حديثى داريم كه از امام صادق ع پيرامون اين آيه سؤال كردند، فرمود:"الارضين و الجبال و الشعاب و الاوديه ثم نظر الى بساط تحته، فقال و هذا البساط مما علمه‏

   ":" فرمود منظور زمينها، كوه‏ها، دره‏ها و بستر رودخانه‏ها (و خلاصه تمامى موجودات) مى‏باشد، سپس امام ع به فرشى كه زير پايش گسترده بود نظرى افكند فرمود حتى اين فرش هم از امورى بوده كه خدا به آدم تعليم داد"!. مجمع البيان ذيل آيات مورد بحث. [↑](#footnote-ref-1)
2. «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» خدايا تو دانا و حكيم هستى، كلمه حكيم يا بمعناى عالم است و بنا بر اين از صفات خدا است كه عين ذات بوده و از بى نهايت و تا بى‏نهايت بدان متّصف مى‏باشد و يا بمعناى كسى است كه كارش متقَن و محكم و اساسى است كه بنا بر اين صفتِ فعل و كار خدا ميگردد.

   ابن عباس ميگويد فرق عليم با حكيم اين است كه عليم، كامل در دانش است و حكيم كسى است كه كامل در عمل (كار) ميباشد. و اين آيه دلالت دارد كه همه علوم و دانشها از خدا است‏ [↑](#footnote-ref-2)
3. ملائكه آفرينش خاصى داشتند كه استعداد فراگيرى اينهمه علوم در آنها نبود، آنها براى هدف ديگرى آفريده شده بودند، نه براى اين هدف، و بهمين دليل فرشتگان بعد از اين آزمايش واقعيت را دريافتند و پذيرفتند، ولى شايد خودشان در آغاز فكر مى‏كردند براى اين هدف نيز آمادگى دارند، اما خداوند با آزمايش علم اسماء تفاوت استعداد آنها را با آدم روشن ساخت [↑](#footnote-ref-3)